

شاهراه خراسان و تأثیرات اقتصادی - اجتماعی آن بر ولایت جَوین (سده ۳-۷ ق)

شهربانو دلبری*، ابوالفضل حسن آبادی، حجت محمدی مطلق

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد؛

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد مشهد

تاریخ دریافت: (۱۳۹۷/۰۴/۱۹) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۷/۱۰/۲۰)

**Khorasan Highway and Its Socio-Economic Impact
on Jovain Province (3-7 Century AH)****Shahrbanou Delbari, Abolfazl Hassanabadi Hojjat Mohammadi Motlagh**

Assistant Professor of History Department, Islamic Azad University of Mashhad;

Assistant Professor of History Department, Islamic Azad University of Mashhad;

Ph.D Student in the History and Sivilization of Islamic Nation, Azad University Mashhad

Received: (2018. 07. 10)

Accepted: (2019. 01. 10)

Abstract

Khorasan highway was the most important connecting route of Iran since the second century A. H up to the Mongols invasion. It connected Khorasan, Transoxiana, and Turkistan to the west part of Iran and Mesopotamia. This highway had different branches, one of these branches passed the distance between Neyshabur and Bastam i.e Jovain. This route well received and was taken more than its parallel rout by travelers (i.e Neyshabur-Sabzevar-Bastam). This research studied the economic-cultural effects of the road on Jovian. The findings showed that locating a lot of villages along the road provided foodstuff for the travelers and fodder for their animals. It could be the main reason for their choice. On the other hand, this road provided a good opportunity for trading, importing and exporting local goods. This contributed to the prosperity of the region. Also, some scholars and great men who traveled by this road stayed there for a short time and this too had a cultural effect on Jovian. Traveling easily to Neyshabur at East and Rai at West was another advantage of taking this route.

Key Words: District of Jovian, Jovians' Scholars, Khorasan highway, Azadvar.

چکیده

شاهراه خراسان، مهم‌ترین راه مواصلاتی ایران، از سده دوم تا حمله مغول، بوده است که خراسان، ماوراءالنهر و ترکستان را به غرب ایران و بین‌النهرین متصل می‌کرد. این شاهراه شاخه‌های فرعی متعدد داشت که یکی از آنها (حد فاصل نیشابور - بسطام) از ولایت جویین می‌گذشت. این مسیر، در مقایسه با مسیر موازی آن (نیشابور - سبزوار - بسطام) بیشتر مورد اقبال کاروان‌ها بود. پژوهش حاضر، به شیوه توصیفی - تحلیلی، به بررسی تأثیرات اقتصادی - اجتماعی این شاهراه بر ولایت جویین، از سده سوم تا هفتم هجری، پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی است که روستاهای متعدد ولایت جویین و فراوانی آذوقه و علوفه این ولایت، سبب اصلی استقبال کاروان‌ها از این مسیر بوده است. از سوی دیگر، جای داشتن ولایت جویین بر گذر این شاهراه، تأثیرات خود را بر آنجا گذاشت. توقف کوتاه یا طولانی مدت علما و بزرگان مسافر از این مسیر در ولایت و تسهیل ارتباط اهالی آنجا با شهرهای بزرگ نیشابور و ری، از جمله ره‌آورد‌های اجتماعی این شاهراه بود. از سوی دیگر، این راه، با فراهم کردن زمینه فروش و صادرات محصولات محلی ولایت شرایط رونق آنجا را فراهم می‌کرد.

کلیدواژه‌ها: ولایت جَوین، شاهراه خراسان، علمای جویینی، آزادوار.

*Corresponding Author: delbari0410@mshd.ic.ir
ahassanabady1@yahoo.com
jovein1348@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

شواهد تاریخی گواه آن است که تشکیل و توسعه شهرها و ولایات، بیش از همه وابسته به راه‌های مواصلاتی است. قدیمی‌ترین اطلاع از راه‌های ایران مربوط به راه شاهی است که در دوره حکومت هخامنشیان (حک: ۵۵۰-۳۳۰ ق. م) شهرهای مهم ایران را در غرب و مرکز به هم متصل می‌کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۳۰۶). اما پس از اسلام، و دست‌کم از سده دوم هجری، مهم‌ترین راه مواصلاتی ایران شاهراهی موسوم به شاهراه خراسان بوده است که شاخه‌های متعدد آن در شهر نیشابور به هم متصل می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۷: ۴۱۶-۴۱۷). یکی از دو شاخه اصلی شاهراه، ولایات متعدد ماوراءالنهر و شمال خراسان، از جمله شهرهای بزرگ بخارا، سمرقند، گرگانج و مرو (ابن‌فقیه، ۱۴۱۵ق: ۶۰۰-۶۱۳) و شاخه دیگر، شهرهای شرق خراسان، از جمله هرات و ولایات بزرگ جنوب شرقی این ایالت، از جمله کابل و غزنه را به غرب ایران و بین‌النهرین متصل می‌کرد و در سوی دیگر این شاهراه، شهرهای بزرگ غرب ایران و بین‌النهرین جای داشتند (ابن‌رسته، ۱۸۹۲: ۱۶۳-۱۷۲؛ لسترنج، ۱۳۶۷: ۴۱۶-۴۱۷؛ دانشیار، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۹).

چنان‌که از منابع تاریخی برمی‌آید، شاهراه مذکور تا سال‌های حکومت قتیبه بن مسلم باهلی (حک: ۸۵-۹۶) بر خراسان، ظاهراً به سبب عدم امنیت آنجا مسلوک نبود و ارتباط خراسان با غرب ایران از طریق مسیر جرجان، آمل و ری و با مرکز خلافت از طریق مسیر نیشابور - طبرس - یزد یا نیشابور - طبرس - کرمان بود. اما این وضعیت در

آغاز حکومت قتیبه بر خراسان تغییر کرد. او با برقراری امنیت غرب خراسان، مسیر ارتباطی خراسان با عراق را به راه نیشابور - ری - عراق و شام تغییر داد (دانشیار، ۱۳۹۰: همان‌جا).

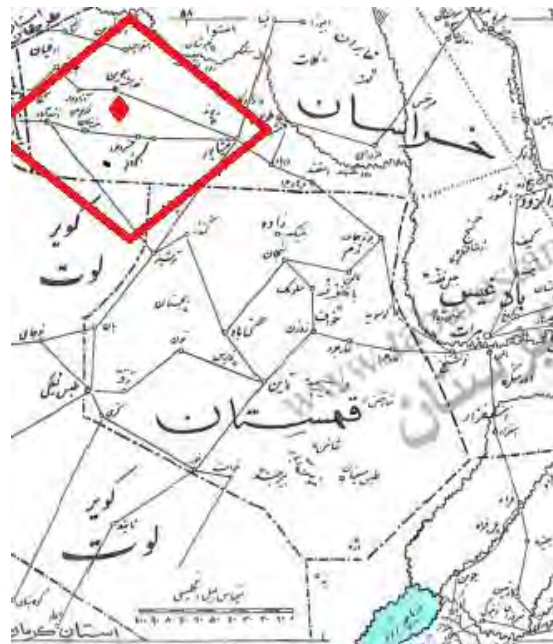
مسیر جدید شاهراه خراسان، در حدود دو فرسنگی غرب نیشابور، به دو شاخه موازی تقسیم می‌شد. از این دو، راه رسمی از ولایت بیهق می‌گذشت و شاخه دیگر در شمال آن از میانه دشتی محصور در دو رشته کوه جدا افتاده از سلسله جبال البرز، موسوم به دشت یا ولایت گویان (جوین) امتداد می‌یافت. این دو مسیر نهایتاً در بسطام بار دیگر به هم می‌پیوست (لسترنج، ۱۳۶۷: ۴۱۷؛ دانشیار، ۱۳۹۰: ۲۸).

بازگشایی مسیر نیشابور - ری بی‌تردید وضع ولایت جوین را نیز با دگرگونی مواجه می‌کرد. گزارش‌های متعدد منابع در مورد عبور کاروان‌های تجاری، زیارتی و نظامی، پس از تأسیس حکومت طاهریان در خراسان از این مسیر، می‌تواند گواه این امر باشد.

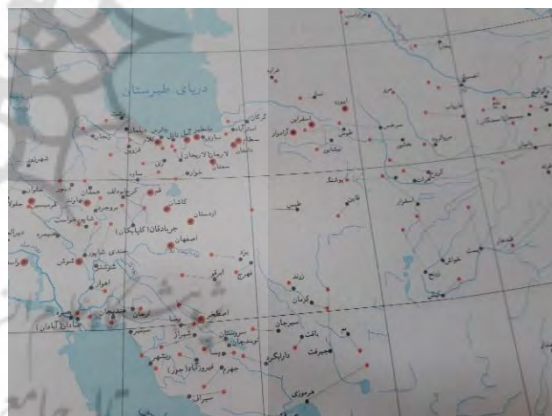
این تحولات و بازگشایی راه نمی‌توانست تأثیرات اقتصادی و اجتماعی خود را بر منطقه جوین به همراه نداشته باشد؛ موضوعی که تا اینک مورد پژوهش قرار نگرفته است. پژوهش کنونی نخست به بررسی وضع و ویژگی‌های جغرافیایی ولایت جوین و سبب اقبال کاروان‌ها برای تردد از این مسیر خواهد پرداخت و سپس تأثیر اقتصادی و اجتماعی شاهراه مذکور را بر این ولایت مورد پژوهش قرار خواهد داد.

نسبتاً پهناور در مرز غربی خراسان به مرکزیت شهر کوچک آزادوار بود، که نخستین شهر این ایالت از سمت قومنس، به شمار می‌رفت (حموی، ۱۹۹۵: ۱/۱۶۷؛ ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۴). حد شرقی جوین، رِبَع ارغیان^۲ نیشابور، حد جنوبی آن روستای نوده در مرز بیهقی (بیهقی، ۱۳۶۱: ۳۴) و مرز آن در سمت شمال، ولایت جاجرم بود (حموی، ۱۹۹۵: ۱/۱۹۷). این ولایت دست‌کم از فتوحات اعراب مسلمان تا هجوم مغولان، یکی از دوازده ربع نیشابور به شمار می‌آمد (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۱؛ حموی، ۱۹۹۵: ۱/۱۶۷) و با ویرانی نیشابور در حمله مغولان برای چند سده به صورت متناوب از توابع ولایت بیهقی محسوب گردید (حمدالله مستوفی، ۱۳۷۸: ۲۱۴).

ولایت جوین در سال ۳۰ق و در جریان فتح نیشابور و توابع آن به دست اعراب مسلمان فتح شد (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۳/۱۳۴). اشاره بلاذری به اسارت و بردگی جماعتی از اهالی جوین در جریان فتح آنجا (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۶۲) حکایت از مقاومت آنان دارد. علی‌رغم مقاومت اهالی جوین اعراب توانستند آن‌جا را فتح کنند. اگرچه منابع گزارشی از تنش یا رقابت‌های احتمالی بعدی به دست نمی‌دهند، لیکن فتح منطقه نمی‌توانست دست کم با مشمول خراج قراردادن زمین‌های اهالی طبق



دو شاخه شاهراه خراسان مابین نیشابور و بسطام و عبور یکی از آنها از ولایت جوین (خدایه-آزادوار-بسطام) (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۷۹)



موقعیت ولایت جوین و مرکز آن، آزادوار (اطلس تاریخ ایران، ۱۳۸۷: ۶۶)

۴۱۴)، کویمان و عوفی (۱۳۵۵: ۱۲۶) در شعری از ملک السادات نیشابوری آن را کویمان ذکر کرده است.
تارنج در این زمانه آیین آمد گویی که برای من مسکین آمد از جور سپهر سبزه وار این دل من کویمان کویمان به اسفرا این آمد گردیزی (۱۳۴۷: ۹۲) نیز این منطقه را گویمان خوانده و آنجا را دارالملک عبدالله بن عامر بن کریز دانسته است.
۲. امروزه نام ولایت ارغیان به بام و صفی آباد تغییر کرده و بیشتر خاک آن از توابع شهرستان اسفرا این به شمار می‌رود.

۲. جغرافیا و ویژگی‌های ولایت جوین

جُوین معرب گویمان/ کوان یا کویمان^۱، ولایتی

۱. نام این ولایت در منابع تاریخی و جغرافیایی به گونه‌های مختلف ذکر شده است. مقدسی (۱۳۶۱: ۲/۴۶۵) کویمان/گویمان، ناصرخسرو قبادیانی (۱۳۸۳: ۴) آن را کوان و جامی در *نفحات الانس* (بی‌تا):

شریعت اسلام، تبعاتی نداشته باشد. از سوی دیگر بیهقی (۱۳۶۱: ۱۰۰) از احداث مسجدی در طی همان سال - یا حداکثر دو سه سال بعد - در روستای برزن آباد جوین، خبر می‌دهند که این گواه سکونت دست‌کم جمعیتی از اعراب در آنجا است، چه آنکه امکان نداشت در آن مدت کم بومیان منطقه تغییر دین داده باشند تا به ساخت مسجدی برای آنها نیاز باشد. افزون بر این به روایت گردیزی (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۲۶) جوین مدتی دارالملک عبدالله بن عامر در هنگام حضور در خراسان (حک: ۲۹-۳۱ق) بوده است.

اطلاعی از وضع اقتصادی - اجتماعی این منطقه پس از فتح آنجا تا حدود سه سده بعد وجود ندارد، لیکن مشخص است که با گروش تدریجی اهالی منطقه به اسلام، از اوایل سده چهارم مذهب شافعی تقریباً به مذهب غالب منطقه مبدل شد. این امر را کثرت دانشمندان شافعی برخاسته از این منطقه در سده‌های چهار تا هشتم (ابن کثیر دمشقی، ۱۹۸۶م: ۱۲ / ۱۲۸؛ ابن عماد حنبلی، ۱۹۸۶م: ۵ / ۱۷۶؛ الاسوی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۴۰)، عدم وجود اطلاعی دال بر شیوع مذاهب دیگر در این منطقه و نیز گزارش حمدالله مستوفی در سده هشتم مبنی بر غلبه مذهب شافعی بر آنجا، تأیید می‌کند (حمدالله مستوفی، ۱۳۷۸: ۲۱۴).

به هر رو، جوین دشتی کم عرض در امتداد شرق به غرب، میان دو رشته کوه بود که امروزه به کوه‌های جغتای و هرده موسوم‌اند. آبادی‌های ولایت در دو خط موازی، یکی در دامنه کوه‌های

مرتفع جنوبی - رشته کوه جغتای و دیگری در شمال دشت در زمینی مسطح ایجاد شده بودند. شیب ولایت از جنوب به شمال بود، از همین رو اندک رودهای جاری آنجا که غالباً فصلی هستند، و قنات‌های متعدد ولایت از کوه‌های جنوبی به سمت شمال جاری شده بود. آب قنات‌ها نیز همه در یک خط موازی در قسمت شمالی دشت به روی زمین می‌رسید. همین موضوع باعث شده بود که روستاهای واقع در دشت تقریباً همه در یک عرض و به صورت به هم پیوسته ایجاد شوند (حموی، ۱۹۹۵م: ۲ / ۱۹۲).

این وضع جغرافیایی و اقلیمی دشت، موجب حاصلخیزی خاک و بالتبع آن رونق و جمعیت قابل توجه روستاهای این بخش از جوین، برغم آبادی‌های دامنه کوه در جنوب ولایت، شده بود. به گزارش منابع، روستاهای دشت دارای باغ و بوستان‌های فراوان بود و حد فاصل آبادی‌ها زمینی عاری از آبادانی و جمعیت وجود نداشت (سمعانی، ۱۹۶۲م: ۳ / ۴۲۹؛ شیروانی، ۱۳۳۹: ۲۰۶). این آبادانی را سوای مطالعات میدانی و آثار به جای مانده، ذکر برخی از روستاهای میانه دشت در منابع، تأیید می‌کند. لیکن از روستاهای واقع در دامنه کوه تنها از روستای بزرگ کارزی (ظاهراً جغتای امروزی)، آن‌هم در منابع نزدیک به دوران مغول، ذکری به میان آمده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۷۸: ۲۱۴) منابع پیش از دوره مغول، مرکز ولایت، آزادوار، را دارای جمعیت قابل توجه با بازاری پر جنب و جوش همراه با مساجد متعدد توصیف کرده‌اند (حموی، ۱۹۹۵م: ۱ / ۱۹۷) پس از آزادوار و در امتداد این شاخه از شاهراه به سمت نیشابور، روستاهای

۱. امروزه این ولایت دو شهرستان جوین و جغتای، از توابع خراسان رضوی، را تشکیل می‌دهند.

نیشابوری - ذکر کرده است. از این رو، می‌بایست آمار روستای جوین در معجم البلدان یا قوت نیز صرفاً روستاهای دارای مالیات این منطقه در زمان حکومت طاهریان (حک: ۲۰۵-۲۵۹ق) را شامل شده باشد (نک: حموی، ۱۹۹۵م: ۲/ ۱۹۲). مؤید این موضوع این است که قزوینی در همان سده هفتم، آمار کل روستاهای ولایت جوین را ۴۰۰ پارچه به همراه همین تعداد رشته قنات دانسته است (قزوینی، ۱۹۹۸م: ۳۵۲). آمار قزوینی از روستاهای منطقه می‌بایست شامل آبادی‌های دارای مالیات در زمان طاهریان و نیز روستاهای بدون مالیات یا محتملاً روستاهای تازه تأسیس منطقه باشد. به هر رو، شرایط و استعدادها و جغرافیایی منطقه همراه با کثرت روستاهای آنجا، آنگاه که مسیر شاهراه خراسان - عراق در اواخر سده نخست هجری تغییر کرد، زمینه شکوفایی ولایت جوین را فراهم آورد.

۳. تأثیرات اقتصادی شاهراه خراسان

ولایت جُوین، بر مسیر دو شاهراه غربی - شرقی و جنوبی - شمالی جای داشت. شاهراه اولی خراسان را به ری (حموی، ۱۹۹۵م: ۱/ ۱۶۷) و دومی ولایات جنوبی ایران را به خراسان و جرجان متصل می‌کرد. شاهراه جنوبی - شمالی از سمت بیهق وارد جوین می‌گردید و در اول دشت در سمت شرق به شاهراه خراسان - ری متصل می‌شد. این مسیر در آزادوار با انحنای به سمت شمال از شاهراه خراسان جدا گشته به سمت ولایت جاجرم و سپس جرجان امتداد می‌یافت (ابن حوقل، ۱۹۳۸م: ۲/ ۴۲۸؛ برای توضیحات بیشتر، نک:

بزرگ دیگری وجود داشت که منابع تنها از برخی یاد کرده‌اند. از جمله این آبادی‌ها خسروشیر (بیهقی، ۱۳۶۱: ۴۳)، بحرآباد (بحیرآباد) (حموی، ۱۹۹۵م: ۱/ ۳۵۰)، خدشاه (در برخی منابع خورشاه)، دلقند^۱ (حمدالله مستوفی، ۱۳۷۸: ۲۱۴)، ریواده/ دیواره (ابن حوقل، ۱۹۳۸م: ۲/ ۴۲۸) و زیرآباد (فضل‌الله همدانی، ۱۹۴۰م: ۱۹) است نام بعضی از این روستاها می‌تواند حاکی از سابقه آبادی آنها دست‌کم از دوره ساسانی (حک: ۲۲۴-۶۵۱م) باشد.

افزون بر این آبادی‌ها، منابع از روستاهای فنودآباد و برزناباد نیز یاد کرده‌اند (بیهقی، همان: ۱۰۰). لیکن، موضع آنها بر رغم آبادی‌های پیش گفته، امروزه مشخص نیست. با وجود این به گزارش بیهقی، حداقل برزناباد به حدی اهمیت داشت که عبدالله بن عامر بن کریم پس از فتح منطقه جوین مسجدی در آن جا ساخت و چنان که پیشتر اشاره شد، مدتی در آنجا مقیم شد (بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۰۰).

یاقوت حموی به نقل از ابوالقاسم علی بن زید بیهقی (م. ۵۶۳) تعداد روستاهای جوین را ۱۸۹ پارچه ثبت کرده است. بیهقی در اثر خود تاریخ بیهقی، آمار و اطلاعات روستاهای دارای مالیات بیهق را بر اساس بازبینی وضع مالیات خراسان در سال‌های حکومت عبدالله بن طاهر (حک: ۲۱۳-۲۳۰) - به نقل از تاریخ نیشابور، نوشته حاکم

۱. مستوفی قزوینی در نزهة القلوب ضمن ذکر برخی از روستای ولایت جوین، از دهی به نام «دلقند» یاد کرده که آثاری از آن بجا نمانده است. با وجود این، قناتی به نام دلقند در روستای راه چمن واقع است که بر اساس آن می‌توان احتمال داد که راه چمن کنونی بر ویرانه‌های آبادی دلقند ساخته شده است.

دانشیار، ۱۳۹۰: ۲۸).

ولایت را مسیر کاروان‌رو شاهراه خراسان نامیده است (حموی، ۱۹۹۵م: ۲ / ۱۹۲). افزون بر این، گزارش منابع متعدد نیز این گفته یاقوت حموی را تأیید می‌کند، چنان‌که او در سفر خراسان از همین مسیر عبور کرده بود و همچنین ناصر خسرو در سال ۴۳۷ از همین مسیر روانه حج شد (ناصر خسرو، ۱۳۸۳: ۴). علاوه بر این شواهدی بر عبور کاروان‌های تجاری نیز از این مسیر در دست است (نک. ادامه مقاله). در نامه‌های دیوانی دربار سلطان سنجر هم، به عبور لشکرها از این مسیر اشاره شده (جوینی، ۱۳۲۹: ۶۰-۶۱) و تکش خوارزمشاه نیز همراه لشکر خود در سال ۵۸۸ق از طریق همین راه روانه ری شده بود (جوینی، ۱۳۵۸: ۳۹۴)

اما آنچه کاروان‌ها را به‌رغم فاصله بیشتر راه نسبت به شاخه اصلی (بیهق- بسطام) به این مسیر جذب می‌کرد، متعدد بود. نخست آنکه کثرت روستاهای مسیر راه و فاصله نزدیک آنها، دسترسی آسان و ارزان مایحتاج مسافران و علوفه چهارپایان آنها را فراهم می‌کرد. همین ویژگی راه، امنیت بیشتر مسیر و نیز عدم نیاز به اقامت در کاروانسرا را موجب می‌شد که هر دو هزینه سفر را برای کاروانیان کمتر می‌کرد. گفتنی است که در منابع تنها به کاروانسرای در آزادوار اشاره شده است (حموی، ۱۹۹۵م: ۱ / ۱۶۷) و امروزه نیز جز آثار کاروانسرای در روستای آزادوار، از توابع شهرستان جغتای، اثری از وجود این بناها در جوین در دست نیست. ظاهراً در عوض این کاروانسراها هر یک از آبادی‌های مسیر راه بناهای عام‌المنفعه‌ای موسوم به خیرات داشت که مسافران بدون پرداخت هزینه‌ای در آنجا توقف می‌کردند.

شاهراه خراسان - ری، چند فرسنگ بعد از نیشابور، به دو شاخه تقسیم شده، شاخه اصلی مستقیماً امتداد یافته و با گذر از بیهق به بسطام می‌رسید (مقدسی، ۱۹۹۱م: ۳۱۸) اما شاخه دیگر شاهراه با کمی انحراف به سمت شمال، وارد دشت جوین می‌شد و با گذر از میانه دشت، پس از شهر آزادوار، با انحنای به سمت جنوب در بسطام به راه اصلی متصل می‌گردید (حموی، ۱۹۹۵م: ۱ / ۱۶۷).

بیشتر اشاره رفت که ارتباط خراسان با غرب ایران تا آغاز سده دوم هجری، از طریق مسیر جرجان- آمل- ری و با مرکز خلافت از طریق مسیر نیشابور- طبس - یزد یا نیشابور- طبس- کرمان بود. لیکن در زمان حاکمیت قتیبه بن مسلم باهلی (حک: ۸۵-۹۶) بر خراسان بار دیگر بازگشایی شد. با وجود این، اشاره علی بن زید بیهقی حاکی از مسدود شدن مسیر ارتباطی خراسان با مراکز فوق از طریق نیشابور - ری، دست‌کم از نیمه پسین سده دوم هجری است. سفر هارون رشید از طریق ری - آمل - جرجان - توس به خراسان و سفر مأمون از خراسان به ری از طریق همین مسیر، مؤید گزارش بیهقی است (بیهقی، ۱۳۶۱: ۴۶-۴۷). با وجود این، بار دیگر ظاهراً پس از انتقال کرسی خراسان از مرو به نیشابور، در سال‌های حکومت عبدالله بن طاهر بر خراسان (۲۱۳- ۲۳۰ق) این مسیر مجدداً بازگشایی شد.

به هر حال، غالب اطلاعات ما از رفت و آمد از مسیر جوین مربوط به عبور کاروان‌ها از همین شاهراه خراسان - ری است. یاقوت حموی این

فراهم می‌کرد. همچنین در کنار تسهیل صادرات، واردات محصولات سایر ولایات به جوین نیز تسهیل می‌شد.

با این همه، این شاهراه می‌توانست منشأ آسیب و مضراتی نیز برای ولایت جوین باشد. زیرا اگرچه جوین، نه بر مسیر چاپاری شاهراه خراسان، بلکه مسیر کاروان‌رو این راه جای داشت، لیکن شواهدی از عبور لشکرهای نظامی از این مسیر در دست است (جوینی، ۱۳۲۹: ۶۰-۶۱؛ فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۱۹). عبور این لشکرها از آنجا می‌توانست تبعات اقتصادی برای اهالی این منطقه در پی داشته باشد که براساس قوانین دیوانی حکومت، اهالی مسیر راه می‌بایست از مقامات حکومتی و نظامی پذیرایی کنند. افزون بر این، عبور این لشکرهای پرجمعیت، گهگاه با تخریب مزارع، باغات و چراگاه احشام اهالی نیز همراه بود، چنان‌که در نامه‌های دیوانی دربار سلطان سنجر از مراعات اهالی جوین به هنگام عبور نظامیان و مقامات حکومتی از این منطقه یاد شده است (جوینی، ۱۳۲۹: همان‌جا؛ فضل‌الله همدانی، همان‌جا).

۴. تأثیرات فرهنگی - اجتماعی شاهراه خراسان

همراه با تأثیرات اقتصادی، شاهراه خراسان از آنجا که از میان حدود یک نیمه آبادی‌های جوین می‌گذشت، به صورتی ملموس تأثیرات فرهنگی - اجتماعی خود را برای این منطقه در پی داشت. تردد کاروان‌های متعدد تجاری، زیارتی و نظامی از این مسیر، فرصت توقف یک چند مسافران را در آبادی‌های جوین فراهم می‌کرد که این امر به نوبه خود، فراهم آوردنده زمینه برگزاری جلسات درس

آثار بناهای موسوم به خیرات تا کنون در بسیاری از این روستاها همچنان موجود است (مطالعات میدانی و نیز پاپلی یزدی، ۱۳۸۰: ۱۷۶). بدین ترتیب، عدم اقامت در کاروانسرا، به کاروانیان آزادی بیشتری هم جهت توقف می‌داد که نتیجه آن فرصت بیشتر برای تجارت با اهالی مسیر راه بود. از سوی دیگر، این راه برای اهالی ولایت مواهب اقتصادی متعدد داشت. تردد از این مسیر زمینه ایجاد اشتغالات خدماتی را فراهم می‌کرد. اگرچه منابع از پیشه‌های مربوط به کاروان‌ها، از جمله شترداری و مشاغل مشابه، در جوین اطلاعی به دست نمی‌دهند، اما اشتهار آزادوار به بارانداز سه ایالت خراسان، گرگان و قومس، و همچنین اشاره به چمن‌زاری در این منطقه که برای چرای احشام به ویژه اسب مناسب بود (ابن‌حوقل، ۱۹۳۸م: ۲/ ۴۲۸؛ مقدسی، بی‌تا: ۳۱۸)، می‌تواند شواهدی بر وجود اشتغالاتی متأثر از گذر شاهراه خراسان از این مسیر باشد.

مضاف بر این، منابع جغرافیایی از تولیدات انبوه محصولات کشاورزی و صادرات میوه و غلات جوین به سایر نواحی خیر داده‌اند. سوای این محصولات، تولید صنایع دستی، به‌ویژه پوشاک، در منطقه به حدی بود که به ولایات دیگر صادر می‌شد (مقدسی، بی‌تا: ۳۱۸). تردد کاروان‌ها از این مسیر، بی‌شک افزون بر ایجاد بازار مصرف، زمینه صدور سهل الوصول این تولیدات را نیز

۱. روستایی موسوم به راه چمن (امروزه از توابع شهرستان جغتای) در همین مسیر و نیز وجود چمن‌زار وسیعی در قسمت شمالی دشت جوین که بخشی از خاک چندین آبادی این ولایت را می‌پوشاند، شواهدی بر تأیید این موضوع هستند.

عماراتی در دوره ایلخانان در این منطقه ساخته شد که بی‌شک به واسطه نفوذ این خاندان در دولت ایلخانان بوده است.^۲

افزون بر این، سکونت یا اقامت چندگاهی برخی از عالمان سایر قلمرو جهان اسلام در جوین نیز، تحت تأثیر عبور همین شاهراه از ولایت صورت گرفته بود؛ چه آنکه به گواهی منابع، آنان در طی سفر از این مسیر تصمیم به سکونت در آنجا گرفته بودند. از جمله این علما عبارت بودند از: ابوبکر المشاط نیشابوری و عبدالصمد بن ابوجابر ابوالقاسم نیشابوری که تا پایان حیات خود در این ولایت ماندند (فارسی، ۱۴۰۳: ۵۳۷-۵۳۸)، پدر رضی الدین لالا غزنوی که در خسرو شیر جوین رحل اقامت افکنده بعدها به ریاست آنجا منصوب شد (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۳۸: ۱۱۶) و خاندان حاتمی بلخی که در حین گذر از جوین به مقصد زیارت کعبه، تصمیم به سکونت در جوین گرفتند. این خاندان پس از اقامت در این ولایت به ایجاد و توسعه مساجد و خانقاه‌های در این منطقه پرداختند که اقبال طالبان علم را از سایر نواحی به

و انتقال تجربیات مسافرین و حتی فرصت‌راهیابی افراد مستعد جوینی به دربار حکام بود. منابع شواهدی متعدد در تأیید ادعای فوق ارائه می‌دهند. برای نمونه، در سال ۵۸۸ق هنگامی که سلطان تکش بن ایل ارسلان خوارزمشاه برای جنگ با آخرین بازمانده سلجوقیان، از مسیر جوین به سوی ری می‌رفت، جد پدری عطاملک جوینی در آزادوار مرکز ولایت جوین، فرصت حضور در نزد او را یافت. وی با تقدیم شعری در مدح تکش مورد توجه سلطان قرار گرفت^۱ و در سلک درباریان او درآمد (جوینی، ۱۳۸۵: ۳۹۴؛ نسوی، ۱۳۴۸: ۸۸). حضور این ادیب جوینی و فرزندانش در دربار خوارزمشاهیان با آشنایی ایشان با هنر دبیری همراه شد که تداوم این سنت در خانواده وی، زمینه را برای برآمدن نوادگانش شمس‌الدین جوینی، به عنوان وزیر ایلخانان، و عطاملک جوینی، حاکم بغداد و نویسنده تاریخ جهانگشای جوینی و حامی و مدح‌شده سعدی، فراهم کرد (نک: جوینی، ۱۳۸۵: مقدمه، ۱۵-۲۸؛ سعدی، ۱۳۷۵: ۶۶۶).

راهیابی خاندان جوینی نیز به دربار تحولات و مواهبی برای ولایت جوین در پی داشت، چه آنکه در دوره ایلخانان این خاندان ثروتمند شده، در منطقه جوین املاک فراوان خریده بودند و بدین ترتیب بخشی از سرمایه آنان در موطن ایشان به کار گرفته شده بود.^۳ همچنین، مساجد و

شمس‌الدین محمد جوینی بوده است. زیرا بر اساس تاریخ و صاف (نک: لمبتون، ۱۳۸۲: ۱۳۳) ارغون بعد از قتل شمس‌الدین جوینی در سال ۶۸۳ق اموال او را مصادره کرده در شمار املاک خالصه درآورد. بعدها همین املاک به امیران و هواداران ایلخانی هدیه می‌شد. از آنجا که رشیدالدین از این زیرآباد به عنوان هدیه‌ی غازان خان به نجیب‌الدین یاد کرده است، می‌توان احتمال داد که این روستا از همان اموال مصادره شده شمس‌الدین جوینی بوده است (نک: رشیدالدین فضل‌الله، ۱۹۴۰م: ۱۹-۲۰؛ همچنین، نک: لمبتون، ۱۳۳-۱۳۴).

۳. آثار تاریخی برجای مانده ولایت از دوران ایلخانی، شامل دو مسجد است. یکی مسجد آق‌قلعه در حومه شهر نقاب و دیگری مسجد روستای خسروشیر است (بختیاری شهری، ۱۳۸۵: ۳).

۱. جوینی شعر زیر را در مدح سلطان سروده بود:

لطف شرف گوهر مکنون ببرد / جود کف توروتق جیحون ببرد
حکم تو به یک لحظه اگر رأی کنی / سودای محال از سر گردون ببرد
۲. روستای زیرآباد جوین که در اسناد اواخر دوران ایلخانی جز املاک دولتی به شمار می‌رفت، محتملاً از جمله املاک

حنبل، ۱۹۸۶م: ۱۷۶/۵؛ ذهبی، ۱۹۹۳م: ۱۹۲/۳۶؛ حموی، ۱۹۹۵م: ۱۹۳/۲. این در حالی است که هیچ نامی از اهالی روستاهای دور از مسیر شاهراه، یعنی روستاهای دامنه کوهستان جنوب ولایت، در میان عالمان منطقه جوین در منابع تاریخی وجود ندارد. مراکز اصلی محل تحصیل طالبان علم این ولایت نیز در دو سوی این شاهراه قرار داشت. چنانکه از گزارش سمعانی هویدا است، غالب طالبان علم جوینی در شهر نیشابور و پس از آن در مرو و ری به تحصیل می‌پرداختند (سمعانی، ۱۹۶۲م: ۷۶/۱؛ ابن‌کثیر الدمشقی، ۱۹۸۶م: ۱۲/۵۵). این موضوع می‌تواند مؤیدی بر نقش محوری شاهراه خراسان برای تعیین محل تحصیل طالبان علوم و تسهیل سفر ایشان باشد. شواهدی دیگر نیز در تأیید این امر وجود دارد، چنانکه از شرح حال علمای جوینی به خوبی آشکار است، قریب به اتفاق آنان در شهر نیشابور به تدریس پرداخته‌اند. از مشهورترین آنان خاندان عالم پرور حمویه از اهالی بحرآباد جوین (ابن جوزی، ۱۹۹۲م: ۲/۳۱۶؛ ذهبی، ۱۹۹۳م: ۳۶/۵۱۱-۵۱۲) و عبدالله بن یوسف بن محمد جوینی و فرزندش عبدالملک، ملقب به امام الحرمین جوینی بودند که شاگردان زیادی را تربیت نمودند (ابن عماد حنبلی، ۱۹۸۶م: ۵/۱۷۷) ضمناً سهولت رفت و آمد به نیشابور از طریق این شاهراه، امکان انتقال جسد این علما را نیز به موطن خود و دفن ایشان را در روستاهای مولدشان، فراهم می‌کرد که این موضوع هم، به نوبه خود تأثیرات فرهنگی خود را برای ساکنان آنجا به همراه داشت. از جمله دانشمندانی که جسد ایشان پس از مرگ به جوین انتقال داده شده

ولایت جوین در پی داشت (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۴۲-۵۸).

افزون بر بزرگان مشهورتر پیش گفته، منابع از حضور تجار، عالمان، صوفیان و شعرای دیگری در جوین خبر داده‌اند. از جمله ایشان ابوعلی الفارقی کرخی از علما و تجار ثروتمند و از شاگردان علی بن شاذان، در جریان سفر در جوین مریض و پس از فوت ظاهراً در همان‌جا دفن شد (ذهبی، ۱۹۹۳م: ۳۶/۳۲۶). از تجار و دانشمندان نیشابور، ابوالعباس صوفی احمد بن محمد الحافظ التاجر نیز از جمله عالمانی بود که در حین سفر در این منطقه مریض شده و پس از مدتی اقامت فوت کرده است (فارسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۷؛ ذهبی، ۱۹۹۳م: ۳۲/۲۱۸). علاوه بر ایشان، سید اشرف‌الدین حسن بن ناصر علوی غزنوی، از شعرا و بزرگان دربار بهرامشاه بن مسعود غزنوی هم، در جریان سفر از این مسیر در آزادوار بیمار شد و پس از مدتی، در همان‌جا درگذشت (منهاج سراج، ۱۳۶۲: ۱/۶۴). جسد این شاعر در آزادوار به خاک سپرده شد و اهالی ضمن ساخت آرامگاهی برای او، جهت تداوم آبادی آن نیز املاکی را در چند آبادی منطقه وقف این عمارت کردند (مولوی، بی‌تا: ۹۴).

تردد کاروان‌ها از شاهراه خراسان، ضمن تسهیل رفت و آمد طالبان علم ولایت جوین به مراکز علمی و آموزشی نقشی تعیین کننده در ترویج علم‌آموزی در میان اهالی نیز داشت، شاهد موضوع آن است که قریب به اتفاق دانشمندان و علمای جوین، از روستاهای پیرامون راه کاروان‌رو یعنی آبادی‌های آزادوار، بحرآباد، خسروشیر و خدشاه هستند (سمعانی، ۱۹۶۲م: ۲/۳۷۵۴؛ ابن‌عماد

طالبان علم منطقه به شهرهای بزرگ نیشابور و ری در دو سوی مسیر این شاهراه و نیز حضور شاگردانی از سایر نواحی در نزد عالمان ساکن جویین می‌شد. سکونت برخی از عالمان دیگر نقاط جهان اسلام در جویین نیز تحت تأثیر همین راه بود، چه آنکه آنان در حین سفر از این مسیر، تصمیم به اقامت در آنجا گرفته بودند. تأثیرات اجتماعی این راه زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم، قریب به اتفاق علما، ادیبان و سیاستمداران جویین از اهالی آبادهای پیرامون این شاهراه بوده‌اند و فرصت برآمدن خاندان ادیب و دبیر و سیاستمدار جویینی در دوره حکومت خوارزمشاهیان و ایلخانان را نیز تردد کاروان‌ها و لشکرها از همین مسیر فراهم کرده بود.

منابع

- ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن علی (۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد (۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م). *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌حوقل، محمد (۱۹۳۸م). *صورة الارض*. چاپ دوم. بیروت: دارصادر.
- ابن‌خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۹۹۲م). *المسالک و الممالک*. بیروت: دارصادر.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲م). *اعلاق النفیسه*. بیروت: دارصادر.
- ابن‌عماد الحنبلی دمشقی، شهاب‌الدین ابوالفلاح عبدالحی بن احمد (بی‌تا)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*. تحقیق الارناووط. بیروت دمشق: دار ابن‌الکتیر.

و در موطن آنها به خاک سپرده شد، خاندان حمویه بودند که جسدشان با انتقال از نیشابور به موطن ایشان، روستای بحرآباد، دفن شد (سمعانی، ۱۹۶۲م: ۳/ ۴۳۲).

علاوه بر این، این شاهراه تسهیل‌کننده رفت و آمد طالبان علم سایر نواحی به جویین نیز بود. چنان‌که برخی جهت کسب علم از عالمان شهرک آزادوار، از سایر نواحی قلمرو اسلام به آنجا آمده (سمعانی، ۱۹۶۲م: ۷۶/۱) و صوفیانی از سایر نواحی ایران برای اقامت یا دیدار از صوفیان خانقاه ابو عبدالله محمد بن حمویه، واقع در روستای بحرآباد، به این منطقه سفر می‌کردند (سمعانی، ۱۹۶۲م: ۳/ ۴۳۲).

۵. نتیجه

چنان‌که اشاره رفت، راه‌های ارتباطی از مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر اقتصاد و اجتماع شهرها و آبادی‌هاست. تأثیر این مؤلفه در سده‌های پیش از هجوم ویرانگر مغولان در ولایت جویین نیز به خوبی آشکارا است. نخستین شاهد موضوع آن است که غالب اطلاعات ما از وضع این ولایت در دوره مذکور از خلال اشاره منابع به رخدادهای حادث در مسیر شاهراه خراسان بدست می‌آید. نشانه‌های تأثیر اقتصادی این شاهراه بر ولایت جویین نیز، سوای ایجاد پیشه‌های خدماتی و سهولت ورود و صدور کالاهای تجاری در این منطقه، برآمدن بزرگ‌ترین و آبادترین روستاهای آنجا در کنار این شاهراه بوده است.

این شاهراه، نقشی تعیین‌کننده در تغییرات اجتماعی و فرهنگی ولایت جویین نیز داشت. تردد کاروان‌ها از همین راه موجب سهولت رفت و آمد

- ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). *البلدان*. بیروت: عالم الکتب.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفدا اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م). *البدایه والنهایه*. بیروت: دارالفکر.
- الاسنوی، جمال‌الدین عبدالرحیم (۱۳۹۰). *طبقات الشافعیه*. بغداد: بی‌نا.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۸۴)، *اژدهای هفت سر*، چاپ پنجم، تهران: علم.
- بختیاری شهری، محمود (۱۳۷۷). *گزارش ثبتی مسجد خسروشیر*. (بی‌جا). آرشیو اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری خراسان رضوی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). *فتوح البلدان*. ترجمه محمد توکل. تهران: نقره.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۶۱)، *تاریخ بیهق*، تصحیح احمد بهمینار، تهران: کتابفروشی فروغی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، جلالی، عباس (۱۳۸۰) «*خیرات نوعی بنای عام المنفعه، مجله وقف میراث جاویدان*» پاییز و زمستان ۱۳۸۰ شماره ۳۶-۳۵، ۱۶۹-۱۷۷.
- جامی، مولانا عبدالرحمن بن احمد (بی‌تا). *نفحات الانس من حضرات القدس*. تصحیح و مقدمه مهدی توحیدپور. بی‌جا: کتابفروشی محمودی.
- جوینی، علاء‌الدین عطا‌الملک بن بهاء‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشا*. تصحیح محمد قزوینی. سید هاشم موسوی. تهران: دستان.
- جوینی، مؤیدالدوله منتجب‌الدین بدیع‌اتابک (۱۳۶۸). *عتبه‌الکتبه*. به تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ ایران.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*. چاپ دوم. بیروت: دارصادر.
- دانشیار، مرتضی (۱۳۹۰). «*رقابت‌های محلی در بیهق ریشه‌های سیاسی: سده‌های سوم تا هفتم هجری*». *تاریخ تمدن اسلامی*. ش ۱۳. ص ۲۷-۴۸.
- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۳۸). *تذکره الشعرا*. به همت محمد رمضان. طهران: خاور.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العربی.
- سعدی، مصحح‌الدین (۱۳۷۵). *کلیات سعدی*. تصحیح محمدعلی فروغی. به اهتمام بهال‌الدین خرمشاهی. تهران: انتشارات ناهید.
- سماعی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی (۱۳۸۲ق/ ۱۹۶۲م). *الانساب*. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلم یمانی. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- شیروانی، زین‌العابدین (۱۳۳۹). *بستان السیاحه*. تصحیح اصغر حامد. بی‌جا: کتابفروشی سعدی.
- عوفی، محمد (۱۳۵۵). *لباب الالباب*. با تصحیح و حواشی سعید نفیسی. تهران: چاپ اتحاد.
- فارسی، عبدالغافر بن اسماعیل (۱۴۰۳). *تاریخ نیشابور - المنتخب من السیاق*. قم: جامعه مدرسین.
- رشیدالدین، فضل‌الله (۱۳۵۸ق/ ۱۹۴۰م). *تاریخ مبارک غازانی*. تصحیح هرتفرد کارلیان. ناشر: استیفن اوستین.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۸۸). *آثار البلاد و اخبار العباد*. بیروت: دار صادر.
- گردیزی، ابوسعید‌عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۴۷). *زین‌الخبار*. تصحیح و تعلیق عبدالحی حبیبی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لسترنج (۱۳۶۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمد عرفان. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن (۱۳۸۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*. ترجمه یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹). در شبستان عرفان - مجموعه رسایل فارسی از پیران ایران، تهران: گفتار.
- حمدالله مستوفی قزوینی (۱۳۷۸). نزهة القلوب. تصحیح محمد بیرسیاقتی. بی‌جا: انتشارات طه.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (بی‌تا). احسن التماسیم فی معرفة الاقالیم. چاپ دوم. بیروت: دارصادر.
- منهاج سراج (۱۳۶۲). طبقات ناصری. تحقیق عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- مولوی، عبدالحمید (بی‌تا). «آثار تاریخی و رجال جوین». نامه آستان قدس. ش ۲. دوره هفتم.
- ناصرخسرو قبادیانی مروزی (۱۳۸۳). سفرنامه. به کوشش محمد دبیرسیاقتی. چاپ دوم. تهران: کتابفروشی زوار.
- نسوی، شهاب‌الدین جزری زیدری (۱۳۸۴). سیرت جلال‌الدین منکبرنی. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: علمی و فرهنگی.

